

مثبت‌ومنفی ر تبه سهولت کسبوکار ایران

ایران با کسب امتیاز ۴۸/۵۶، در سهولت کسبوکار از کشورهای برزیل، مصر، لبنان و ... پیشی گرفته است. شاخص سهولت کسبوکار بانک جهانی، با ارزیابی ۱۰نماگر در حوزه‌های قانونی، اجرایی و قضایی، به بررسی محیط کسبوکار در ۱۹۰ کشور جهان می‌پردازد. براساس گزارش ایرنا، ایران در نماگرهای آغاز کسبوکار، رتبه نودوهفتم و در اخذ مجوزهای ساخت، جایگاه بیست‌وپنجم را به‌دست آورده است. البته کشور ما جایگاه صدویست‌وچهارم را از آن خود کرده و بنابراین، نسبت به گزارش پیشین، در اثر عملکرد بهتر سایر کشورها، چهار پله به عقب رفته است.

یکشنبه ۲۱ آبان ۱۳۹۶ ● شماره صد و بیست و هشت

ا ت ی ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

پیشی گرفته است. شاخص سهولت کسبوکار بانک جهانی، با ارزیابی ۱۰نماگر در حوزه‌های قانونی، اجرایی و قضایی، به بررسی محیط کسبوکار در ۱۹۰ کشور جهان می‌پردازد. براساس گزارش ایرنا، ایران در نماگرهای آغاز کسبوکار، رتبه نودوهفتم و در اخذ مجوزهای ساخت، جایگاه بیست‌وپنجم را به‌دست آورده است. البته کشور ما جایگاه صدویست‌وچهارم را از آن خود کرده و بنابراین، نسبت به گزارش پیشین، در اثر عملکرد بهتر سایر کشورها، چهار پله به عقب رفته است.



توسعه مشاغل خانگی؛ گامی به سوی تقویت اشتغال به‌ویژه در میان زنان وروستائیان است

مشاغل خانگی را دست کم نگیریم



«سازمان دیده‌بان جهانی کارآفرینی» (GEM) یک موسسه بین‌المللی در حوزه «کار» (Labor) است که از سال ۱۹۹۹ کار خود را آغاز کرده و در حال حاضر بیش از ۵۰ عضو دارد. این سازمان در سال ۲۰۰۲ یعنی زمانی که ۳۷ کشور عضو، بیشتر نداشت، پژوهشی انجام داد که براساس آن، «توسعه کسبوکارهای کوچک و متوسط، منجر به کاهش معنادر نرخ بیکاری می‌شود و سهم کسبوکارهای کوچک در کاهش بیکاری، به‌طور متوسط ۲۰ درصد است.» از مشاغل کوچک و متوسط، می‌توان به «مشاغل خانگی» اشاره کرد. «آتی‌فنو» ضمن بررسی تحقیقات دانشگاهی، با دو کارشناس این حوزه گفت‌وگو کرده که نکات مهمی را در این زمینه مطرح کرده‌اند.

■ پیش‌شرط‌های اشتغال خانگی

رضا یعقوبی‌ساردو، شبانان منتظری و فردوس رحیمی، کارشناسان ارشد کشاورزی و اکرم جزینی‌زاده، کارشناس ارشد کامپیوتر، در تحقیقی به این نتیجه رسیده‌اند که آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای توانسته است تا حدود زیادی باعث توانمندی‌های زنان خانه‌دار و اشتغال آنان در کسبو کارهای کوچک خانگی و همچنین اصلاح الگوی مصرف آنان و ترغیب به مصرف کالای داخلی، خصوصاً در بخش کشاورزی و صنایع‌دستی و تحقق اقتصاد مقاومتی در سطح منطقه شود. تیم پژوهشی مصومه تقی‌بیگی، حسین آگهی و علی اصغر میرکزاده از دانشگاه رازی کرمانشاه هم در پژوهشی پی‌برند که برگزاری کلاس‌های آموزشی، برطرف کردن نیاز مالی زنان و ایجاد بازار محلی برای فروش محصولات، مهمترین راهکارهای توسعه مشاغل خانگی است. تامین نیاز مالی شاغلان، یکی از مهم‌ترین مواردی است که باید، دولت و

نظام تامین مالی کشور، به فکر انجام آن باشند.

■ اصناف و مشاغل خانگی

قاسم نوده‌فراهانی، دبیرکل سابق اتاق اصناف و کارشناس حوزه کسبوکار اما به «آتی‌فنو» می‌گوید: «مشاغل خانگی، راهبردی برای کاهش نرخ بیکاری است که با ملاحظات، می‌تواند طرحی موفق شود.»

نوده‌فراهانی، با تاکید بر اینکه بسیاری از بانوان کم‌توان مالی از دستگاه‌های مختلف دولتی و حاکمیتی مانند بهزیستی،



«طرح توسعه مشاغل خانگی، می‌تواند هم به تولید ناخالص داخلی کشور مان کمک کند و هم موجب کاهش نرخ بیکاری، به‌خصوص در حوزه زنان شود.»

کمیته امداد و ... مقرری دریافت می‌کنند، خاطرنشان ساخت: «طرح توسعه مشاغل خانگی که دولت آن را آغاز کرده، می‌تواند هم به تولید ناخالص داخلی کشور مان کمک کند و هم موجب کاهش نرخ بیکاری، به‌خصوص در حوزه زنان شود.» او با بیان اینکه می‌توان از توانمندی اصناف برای موفقیت هرچه بیشتر طرح مشاغل خانگی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی استفاده کرد، توضیح می‌دهد: «زنانی که در حوزه مشاغل خانگی، مشغول به فعالیت هستند باید کالای تولیدی خود را در محلی در



کتی‌فو | ۰۵



بدلکاری در مشاغل خانگی!

اگر برآوردهایی از مشاغل خانگی‌ای که در حوزه‌های مختلف در جریان هستند، داشته باشیم و مثلاً بدانیم که خالص درآمد آنها چقدر است، می‌توانیم براساس حد آستانه درآمدی، آنها را از پرداخت مالیات براساس ضرایب مالیاتی معین، معاف کنیم. به عبارت دیگر، اگر آن بنگاه خانگی اقتصادی، نتواند درآمد خود را به آستانه پرداخت مالیاتی برساند، از الزام قانونی پرداخت مالیات، معاف خواهد بود.

در اینجا باید به نکته مهمی اشاره کنم که معمولاً از آن غفلت می‌شود. پیش از هر چیزی، باید تعریف شغل را دانست. در قوانین مالیاتی، به چه چیزی «شغل» گفته می‌شود؟ ما در حوزه مالیاتی، به شغل‌هایی که به‌صورت خویش‌فرمایی ایجاد می‌شود، «شغل» می‌گوییم. هر فرد، ممکن است به یکی از روش‌هایی که توضیح می‌دهم، کسب درآمد کند؛ یا مزد و حقوق بگیر دولت و بخش خصوصی باشد که بر این اساس، این نوع کسب درآمد، «شغل» محسوب نمی‌شود؛ یا اینکه فرد، در قالب شرکت کار کند؛ یا افرادی که به‌صورت خویش‌فرما، کسب درآمد می‌کنند؛ مانند پزشکان، رانندگان تاکسی و ... در قوانین مالیاتی، فقط دسته آخر، جزء ردیف «مشاغل» قرار می‌گیرند. جالب است بدانید که کل این دسته‌های کسبوکار، تنها پنج یا شش درصد مالیات اقتصاد ایران را پرداخت می‌کنند. این در حالی است که این کسبوکارها که غالباً در بخش خدمات اقتصاد ایران دسته‌بندی می‌شوند، تا ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور ما را تشکیل می‌دهند. این به خاطر فرار مالیاتی گسترده‌ای است که در بخش «مشاغل» وجود دارد. یکی از دغدغه‌های جدی سازمان امور مالیاتی کشور، سامان دادن به بخش مشاغل است.

من از دید سازمان امور مالیاتی، به موضوع نگاه می‌کنم. ممکن است آنها دغدغه داشته باشند که بسیاری از کسبوکارها برای فرار مالیاتی، ماهیتاً شغل خانگی نداشته نباشند اما خود را تحت عنوان شغل خانگی معرفی کنند. اگر ما مشاغل خانگی را معاف از مالیات کنیم، راه فرار مالیاتی برای برخی مشمولان مالیات باز شده و خود را به دروغ، شغل خانگی جا خواهند زد. وقتی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، چنین مشاغلی را دائم رصد می‌کند، شناسایی آن‌ها، دشوار نیست؛ چراکه ریز اطلاعات این مشاغل، در سامانه این وزارتخانه موجود است؛ اما برای سازمان امور مالیاتی، دشوار است که بداند کدام شغل‌ها، واقعاً ماهیت شغل خانگی دارند.

بهترین راه برای تقویت مشاغل خانگی، این است که آنها، داوطلبانه اظهارنامه مالیاتی پر کنند تا اگر درآمدهشان کمتر از سقف معافیت مالیاتی مرسوم در قانون بود، از پرداخت مالیات، معاف شوند. سقف معافیت مالیاتی برای کارمندان، دویلمیون تومان در ماه است و همین سقف را نیز می‌توان برای مشاغل خانگی در نظر گرفت. این مشاغل، یک کارفرما دارند که به نیروهای زیرمجموعه خود، دستمزد پرداخت می‌کند. این دستمزد، می‌تواند در ردیف هزینه‌های او قرار گیرد و به این ترتیب، «درآمد اظهاری» او را کمتر نشان دهد. بر این اساس، کارفرما، در اظهارنامه مالیاتی خود خواهد گفت که تعدادی نیرو، تحت پوشش او مشغول به کار بوده و دستمزد دریافت می‌کنند. علاوه بر این، حق بیمه‌های تامین اجتماعی آنان را نیز پرداخت می‌کند. به این ترتیب، آن چیزی که در اظهارنامه مالیاتی او گنجانده خواهد شد، نشان می‌دهد که خالص درآمد او، کمتر از دویلمیون تومان است. شاید درآمد او بیش از این باشد، اما او با این اقدام شفافیت را، نشان می‌دهد که درآمد خالص مالیاتی اش، کمتر از سقف معافیت مالیاتی است. لذا از پرداخت مالیات، معاف می‌شود. این، نفعی سه‌جانبه دارد. اولاً فرد از پرداخت مالیات، معاف می‌شود. علاوه بر این، نیروی تحت پوشش او صاحب بیمه و مقرری بازنشستگی خواهد شد و از این لحاظ، نیروی کار آن شغل خانگی، اطمینان بیشتری به آینده زندگی خود خواهد داشت.

ثانیاً سازمان تامین اجتماعی، مقرری بیمه این افراد را دریافت خواهد کرد و برایش ردیف درآمد جدیدی ایجاد می‌شود. لذا این مسئله برای سازمان تامین اجتماعی، درآمدزا است. ثالثاً سازمان امور مالیاتی، از شیوه فعالیت آن کارفرما و نیروهای تحت امرش در شغل خانگی مزبور، مطلع می‌شود.

عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه ایلام و کارشناس امور مالیاتی

دولت ونهادهای تصمیم گیر با مشاغل خانگی چگونه رفتار کنند؟

مناسبی ایجاد خواهد شد، اما از نظر روانی، عزم جدی برای شروع کار را ندارد. در این حالت، با طراحی تلنگرهایی (Nudge)، می‌توان در افراد انگیزه حرکت ایجاد کرد. شخص از فرصت اطلاع دارد، عزم جدی هم دارد، اما دانش مربوطه را ندارد. در این حالت باید به او آموزش‌های رایگان ارائه داد تا مهارت مورد نیازش را کسب کند. مسلماً نباید از آموزه‌های اقتصاد رفتاری در این مرحله نیز غفلت کرد. از ابزارهای تکنولوژی آموزشی، می‌توان در این راستا به شدت استفاده کرد.

شخص از فرصت اطلاع دارد، عزم جدی هم دارد، دانش مربوطه را هم دارد، اما برای شروع، نیاز به منابع مالی دارد. در این حالت، باید روش‌هایی برای تامین مالی او (به میزان کم) فراهم کرد.

در این قسمت لازم نیست منابع الزاماً به‌صورت تسهیلات مستقیم باشد. صندوق‌های قرض الحسنه چرخشی و دیگر تکنیک‌های مرسوم در تامین مالی خرد، تجربه‌های جهانی موفق‌تر داشته‌اند. شخص، فرصت را می‌شناسد، عزم جدی هم دارد، مهارت تولید خانگی را هم دارد، منابع مالی هم دارد، اما توانایی بازآرایی مناسب ندارد. در این حالت هم باید نهادهای بخش عمومی زیرساخت‌هایی ارائه کنند.

راه‌اندازی واحدهای تحقیق و توسعه‌ای که به‌طور تخصصی روی ترویج و بسط مشاغل خانگی تحقیق کنند، می‌تواند در راستای افزایش اثربخشی فعالیت‌های نهادهای عمومی در حوزه مذکور بسیار موثر باشد. به عنوان مثال، بسیاری از مشاغل خانگی از طریق فضای مجازی و اینترنت قابل ایجاد هستند و با توجه به هزینه‌های مبادله بسیار پایین، امکان ایجاد استارت‌آپ‌هایی شبیه اسنپ و یا وب‌سایت ترجمه و تایپ و ... وجود خواهد داشت. در این مورد اخیر، صرفاً بعضی دخالت‌های جزئی در بازار، باعث بهبود تعادل خواهد شد.

حوله‌بافی نزدیک روستا، در کوچه‌ها زیر آفتاب می‌نشینند و در نتیجه آن، نرخ اعتیاد در آن روستا بالا رفته و وضعیت اجتماعی نابه‌سامانی ایجاد شده است. اخیراً آموزش‌دهندگانی از نهادهای دولتی برای آموزش بعضی مهارت‌های مربوط به مشاغل خانگی به آنجا رفته‌اند، ولی با وجود امکانات دولتی ارائه‌شده، مردان، استقبال چندانی نکرده‌اند و فقط تعدادی از زنان، مهارت‌ها را آموخته‌اند. این مثال نشان می‌دهد که جنبه‌های روانی تا چه اهمیت دارند. ممکن است مردهای روستای مذکور، ورود به مشاغل خانگی را کسر شأن خود بدانند و با احتمال پیدا کردن کاری مناسب را نامکن بدانند و به همین سادگی، خود را از یک فرصت، محروم کنند. بنابراین در این مورد هم نیاز به دخالت نهادهای عمومی وجود دارد.

■ نهادهای عمومی چه باید بکنند؟

براساس ادبیات اقتصاد بخش عمومی و اقتصاد بخش عمومی رفتاری، پیش‌فرض، این است که بازارها خودبه‌خود، اصلاح شده و به تعادل مطلوب می‌رسد و دولت تا نهادهای بخش عمومی، تنها درصورتی باید در اقتصاد دخالت کنند که با پدیده «شکست بازار» مواجه شویم. در مورد خاص مشاغل خانگی، یک فرد بیکار به‌طور خودبه‌خود، دنبال بهترین فرصت شغلی می‌گردد؛ مگر آنکه موانعی وجود داشته باشد. بعضی از این موانع، بیرونی بوده و بسیاری از آن‌ها ذهنی هستند. کار نهادهای عمومی، این است که این موانع را برطرف کنند.

اگر به‌صورت فرآیندی به مسئله نگاه کنیم، می‌توانیم موانع را شناسایی کنیم:

شخص، ممکن است نسبت به فرصت‌های موجود، آگاهی نداشته باشد. در این حالت، راه‌انداختن سامانه‌ای که بتواند این فرصت‌ها را معرفی کند، بسیار کمک‌کننده است.

شخص از فرصت مذکور اطلاع دارد و می‌داند که بازدهی

علت دوم: هزینه مبادله تامین مالی بالا است و برای مشاغل کوچک و خانگی توجیه اقتصادی ندارد. تصور کنید که برای گرفتن یک وام، باید چند ضامن و چندین چک و سفته و تضمین دیگر ارائه کرد و این ممکن است جذابیت تامین مالی را برای مشاغل خانگی کم کند؛ به‌خصوص اگر سوگیری‌های رفتاری افراد را به مسئله اضافه کنیم، این نقیصه شدت می‌یابد.

علت سوم: بسیاری از مشاغل خانگی، بازدهی بالا ندارند؛ بنابراین مثلاً گرفتن وام با نرخ سودهای بالا توجیه اقتصادی ندارد.

شکست هماهنگی‌ای که در مورد مشاغل خانگی اتفاق می‌افتد، به این معناست که بسیاری فرصت‌ها وجود دارد ولی از چشم بیکاران یا بنگاه‌ها، مخفی می‌ماند. مثلاً بنگاهی را تصور کنید که می‌تواند تولید قطعه مشخصی را به مشاغل خانگی بسپارد، اما این افراد توسط بنگاه شناسایی نمی‌شوند و همچنین این افراد از وجود چنین فرصتی اطلاع پیدا نمی‌کنند. به عنوان مثالی ملموس‌تر، بسته‌های پذیرایی را که در اتوبوس‌های بین‌شهری ارائه می‌شوند، تصور کنید که قابلیت تولید در خانه را دارند. جعبه‌های شیرینی‌ای را که تولید آنها بعد از چاپ مقوا، تنها برش و منگنه کردن را می‌طلبد، می‌توان به عنوان تولید خانگی تعریف کرد. این مثال‌ها، ملموس بودند اما موارد بسیاری وجود دارند که همین الان هم به ذهن من و شما نمی‌رسد.

شکست بازار در قبال مسائل خانگی، به‌واسطه جنبه‌های رفتاری هم اتفاق می‌افتد. مطالعات متعددی در اقتصاد رفتاری نشان داده‌اند که وقتی بیکاری منجر به فقر شود، خود فقر منجر به کاهش ظرفیت‌های ذهنی خواهد شد. ریسک‌پذیری، مهارت و توانایی برنامه‌ریزی، کم می‌شود و توانایی پابندی به برنامه ریخته‌شده نیز به شدت افت می‌کند. روستایی را در نزدیکی اصفهان سراغ دارم که مردان آن روستا، بعد از ورشکست شدن کارخانه‌های



مشاهده افراد بیکاری که می‌توانند شغلی خانگی داشته باشند، ذهن را به این سمت می‌برد که چرا این افراد به این‌گونه مشاغل جذب نمی‌شوند؟

به عنوان مثال، روستائییانی که با استعداد هستند و با یادگیری بعضی هنرهای دستی، می‌توانند محصولاتی قابل فروش در بازارهای رقابتی تولید کنند، کافی است از وجود چنین فرصتی اطلاع پیدا کنند تا وارد آن کسبوکار شوند.

من محصولات خاتم‌کاری بسیار باکیفیتی را دیده‌ام که در یکی از روستاهای اطراف اصفهان، به‌صورت خانگی تولید می‌شوند و در عین حال، با قیمتی بسیار کمتر از آنچه در میدان نقش جهان به فروش می‌رسد، قیمت‌گذاری می‌شوند. این یعنی تولید صنایع‌دستی به‌صورت شغل خانگی، امکان‌پذیر و توجیه‌پذیر است. اما چرا افراد، سراغ این منابع درآمدی نمی‌روند؟

■ مشاغل خانگی و شکست بازار

عدم ورود بیکاران به مشاغل خانگی، یکی از موارد «شکست بازار» به حساب می‌آید. قبلاً در ادبیات اقتصاد، مباحث «Microfinance» یا «تامین مالی خُرد» مورد بحث قرار گرفته‌اند و «شکست بازار مالی» در تأمین مالی مشاغل خانگی به رسمیت شناخته شده است. علاوه بر شکست بازار فوق، موارد دیگری هم قابل مشاهده هستند؛ از جمله شکست هماهنگی و همچنین جنبه‌های رفتاری که جای بحث مفصل دارند. شکست بازار در تامین مالی مشاغل خانگی، به این علل اتفاق می‌افتد:

علت اول: وام‌دهنده و وام‌گیرنده، اطلاعات نامتقارنی دارند – که خود منجر به گرگ‌زبنی می‌شود – و نتیجتاً هزینه متوسط تمام‌شده وام برای وام‌دهنده، بالا می‌رود.